

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

اشرف دهقانی  
۰۴ اگست ۲۰۱۴

## کشتار کودکان فلسطینی، پیروزی اسرائیل!

"بامداد امروز، سیام جولای، حکومت اسرائیل به برتری نظامی قاطعی دست یافت! بر کودکان قانا پیروز شد، و آن‌ها را تکه تکه کرد... امروز، روز عید حکومتی است که بر فرشتگان پیروز شد، و به ما یادآور شد که آتش‌بس، تنها استراحت کوتاهی است میان دو کشتار."

اینها سخنان یک شاعر و نویسنده فلسطینی (محمود درویش) در ارتباط با یکی از جنایات دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین و کودکان فلسطینی در ماه جولای سال ۲۰۰۶ می باشد. می توان به عقب تر از این تاریخ و عقب تر های دور هم بازگشت و باز شاهد "قانا" ها و خون های ریخته شده از مردم فلسطین توسط صهیونیست ها بود؛ می توان یک راست به سال ۱۹۱۷ و صدور "اعلامیه بالفور" توسط امپریالیسم انگلیس باز گشت، به تشکیل "آژانس یهود" و گشایش دروازه های فلسطین برای عملی ساختن نقشه مهاجرت وسیع صهیونیست ها و یهودیان به فلسطین؛ و بعد روی تشکیل گروه های تروریستی هاگانا (قبل از تشکیل دولت رسمی اسرائیل)، همان گروه های شبه نظامی که با ارتکاب به وحشیانه ترین و جنایت کارانه ترین اعمال علیه مردم فلسطین آنها را مجبور به فرار از خانه و کاشانه خود می نمودند، اندکی مکث کرد. سپس، اقدامات گوناگون امپریالیست های انگلیس و امریکا و صهیونیست ها برای تشویق یهودیان از سراسر دنیا برای مهاجرت به فلسطین و سرعت گرفتن روند این مهاجرت را از نظر گذراند، و بالاخره رسید به تشکیل دولت اسرائیل در فلسطین در سال ۱۹۴۸. از این مقطع به بعد به دوره قتل عام های فجیع فلسطینی ها در دیرباسین، عین الزیتون و صلاح الدین (اپریل ۱۹۴۸) قدم می گذاریم و کشتارهای دسته جمعی در شهرها و دهکده هائی چون ایگریت (۱۹۵۳)، عکا (جون ۱۹۵۶) و کفر قاسم (اکتوبر ۱۹۶۲) را مشاهده می کنیم که همگی به قصد تخلیه آن شهرها و روستاها از سکنه فلسطینی انجام گرفتند. در انجام تمامی این فجایع، به طور برجسته امپریالیست های امریکا و انگلیس پشتیبان دولت اسرائیل بودند. از جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ نیز که طی آن دولت صهیونیستی اسرائیل بقیه خاک فلسطین یعنی تمامی فلسطین را به اشغال خود در آورد می گذریم و از قرار داد کمپ دیوید نیز که طی آن اسرائیل برای اولین بار توسط یکی از دولت های دست نشانده امریکا (مصر دوره انورسادات) به رسمیت شناخته شد. با تعقیب فلسطینی های آواره شده و پناه گرفته در اردوگاه ها، باز دولت صهیونیستی اسرائیل و مزدوران فالانژش در لبنان را در حال آفرینش فجایع قتل عام فلسطینیان آواره در اردوگاه های صبرا و شتیلا می بینیم؛ با ادامه این روند و گذر از دیگر وقایع خونین دست

ساز اسرائیل که حتی کشتار مرد و زن و کودک فلسطینی با بمب های فسفری و جدیدترین سلاح های امریکایی را هم در بر می گیرد بالاخره می رسیم به امروز، به کشتار غزه و به قتل عام دوباره فلسطینیان؛ و می رسیم به یک "برتری نظامی" دیگر دولت صهیونیستی اسرائیل بر "فرشتگان" فلسطین و یک جشن پیروزی دیگر به مناسبت "تکه تکه" کردن کودکان غزه، جشن حمله به مجروحین در بیمارستان ها به معلولین و پیر و جوان و کودک و زن و مرد، و خونریزی ها و کشتارهای فجیع باز هم بیشتر، جشن بر جای گذاشتن بدن های پاره پاره، بدن هائی با عضوهای ناقص شده، مجروح با رعشه های درد، دردهای مَرگ ز...

آنچه در فوق آمد به واقع تصویری مختصر و اشاره وار از تاریخ اشغال فلسطین توسط صهیونیست ها، تشکیل دولت صهیونیستی اسرائیل و تقویت آنان توسط امپریالیسم امریکا و جنایات ادامه دار آنها در حق مردم فلسطین می باشد. با تجسم این تصویر با روشنی هر چه بیشتری می توان صورت مسأله در مقطع کنونی در ارتباط با تهاجم وحشیانه اخیر اسرائیل به مردم غزه را دریافت. آری امروز نیز همچون گذشته صورت واقعی مسأله همانا تهاجم یک نیروی متجاوز و اشغالگر به مردم فلسطین و نسل کشی از فلسطینیان، این مردم قرار گرفته تحت شدیدترین ظلمها می باشد. امروز نیز حملات جنایتکارانه اسرائیل همچون گذشته در راستای اهداف ضد خلقی قرار دارد که امپریالیسم امریکا از طریق این دولت صهیونیستی سالهاست در ضدیت نه فقط با مردم فلسطین بلکه در ضدیت با کل توده های تحت ستم منطقه خاورمیانه پیش می برد.

تردیدی وجود ندارد که حماس یک نیروی مرجع اسلامی است که بر طبق شواهدی، خود اسرائیل در ساخت و پرداخت آن به مثابه نیروی در مقابل "حکومت خود گردان فلسطین" در غزه و نوار غربی که یاسر عرفات و سازمان آزادیبخش فلسطین در رأسش قرار داشتند، نقش داشت. این نیرو همانگونه که مردم ایران سالهاست شاهدند کاملاً تحت حمایت و پشتیبانی همه جانبه رژیم منفور جمهوری اسلامی به مثابه یکی از اذوقه رسانان آن قرار دارد. حماس در سال ۲۰۰۶ به قدرت دولتی دست یافت و نیروی مسلط در نوار غزه گردید. بر چنین اساسی است که اسرائیل جنگ کنونی در غزه را به بهانه کشته شدن سه نوجوان اسرائیلی که بی هیچ مدرک و شاهد ثابت شده ای حماس را عامل آن نامید، شروع کرد.

اکنون شاهدیم که چه خود دولت صهیونیستی اسرائیل و چه امپریالیسم امریکا و همپالگی هایش مدام در رسانه های تحت فرمان خود جنگ کنونی اسرائیل علیه مردم بی دفاع فلسطین را جنگ بین اسرائیل و حماس جلوه می دهند و با تکیه بر این یا آن عمل و اقدام حماس و مستمسک قرار دادن آنها می کوشند حافظه تاریخی مردم جهان و به خصوص مردم خاورمیانه را در مورد این که دولت اسرائیل یک نیروی متجاوز است که برای اشغال فلسطین تا کنون دست به فجیع ترین جنایت ها زده است، را مخدوش سازند. به طور مشخص، صهیونیستها و نیروهای امپریالیستی و ایادی شان جنگ افروزی اخیر اسرائیل را با راکت پرانی حماس که به گفته خود مقامات دولت اسرائیل قادر نیستند از "گنبد آهنین"ی که اسرائیل با دریافت میلیاردها دالر از امریکا به عنوان سیستم دفاعی خود به وجود آورده است عبور کرده و تلفات سنگینی به بار آورند، توجیه می کنند. اما تقلیل جنگ جنایتکارانه علیه مردم غزه به تقابل بین حماس مرتجع و اسرائیل صهیونیست نه فقط در خدمت لاپوشانی عملکردهای وحشیانه کنونی دولت اسرائیل قرار دارد بلکه پرده ساتر به این واقعیت می کشد که مردم فلسطین نه امروز بلکه بیش از ۶۰ سال است - یعنی از چند دهه قبل از حتی موجودیت جریان ارتجاعی حماس - مورد تهاجم خونبار دولت اسرائیل با پشتیبانی کامل امپریالیستهای امریکائی قرار داشته اند؛ و در واقعیت امر نیز این دولت اگر امروز با نام حماس کودکان و نوجوانان و زن و مرد و پیر و جوان فلسطینی را مورد حمله قرار می دهد در مقاطعی دیگر حملات خود

را با بهانه‌ها و عنوان‌های دیگر انجام داده است. در نتیجه نفرت و انزجاری که در میان مردم جهان نسبت به حماس به مثابه شاخه‌ای از نیروهای مرتجع اسلامی وجود دارد قادر نیست کمترین توجیهی برای عملکردهای وحشیانه‌ی دولت صهیونیستی اسرائیل دست و پا کند. بیهوده نیست که اکنون در سطح گسترده‌ای از جهان از این دولت به عنوان جنایتکار جنگی نام برده می‌شود.

با ترسیم سناریوی قلبی جنگ اسرائیل و حماس، دولت صهیونیستی فقط در یک مورد ۱۵۰۰ تن مواد منفجره بر سر مردم غزه که در مساحتی کوچک به طور فشرده در کنار هم به سر می‌برند، ریخت؛ و با این ادعا که حماس از خانه و کاشانه‌ی مردم راکت پرتاب می‌کند به خود اجازه می‌دهد که خانه‌های مسکونی، مدارس و حتی بیمارستان‌ها را زیر بمباران‌های خود بگیرد و ادعا هم بکند که مناطق مورد حمله خود را به "دقت" انتخاب می‌کند. ادعائی که با مورد حمله قرار دادن مراکز آموزشی و درمانی که تماماً تحت نظر سازمان ملل قرار داشتند و مردم از پیرمرد و پیرزن گرفته تا کودک و جوان و نوجوان برای محفوظ ماندن از حملات وحشیانه‌ی آن دولت به آنجا پناه برده بودند، معنای واقعی خود را در مقابل چشم جهانیان به نمایش گذاشت.

اسرائیل هفت سال است که با محاصره اقتصادی غزه و جلوگیری از رفت و آمد مردم به مناطق دیگر و همچنین با اعمال فشار و اقدامات ضد خلقی گوناگون، غزه را به زندانی برای مردم این دیار تبدیل و فقر و فلاکت و محرومیت‌های مختلف و از جمله محرومیت‌های بهداشتی و درمانی را به مردم غزه تحمیل کرده تا جایی که پیش از این جنگ اعلام می‌شد که در صد بالائی از کودکان فلسطینی به دلیل کمبود مواد غذایی از سوء هاضمه رنج می‌برند. در چنین شرایط مرگباری است که مردم فلسطین در غزه با حملات ددمنشانه و بی‌رحمانه‌ی دولت اسرائیل مواجه شده‌اند که در ضمن تخریب تونل‌های ساخته شده توسط آنها را هم تحت عنوان جلوگیری از نفوذ فلسطینی‌ها به اسرائیل به دستاویز دیگری برای توجیه جنگ افروزی خود تبدیل کرده است. اما بهانه‌ها و مستمسک‌های اسرائیل هر چه باشد در شرایطی که مردم تحت ستم فلسطین در میان آتش و جنگ می‌سوزند، در شرایطی که این مردم از زمین و هوا در معرض تهاجمات شدیداً وحشیانه‌ی این دولت قرار دارند که حتی کودکان فلسطینی را هم با قساوت و بی‌رحمی غیر قابل توجیه آماج گلوله‌ها و بمباران‌های حتی کیمیائی خود قرار می‌دهد، هیچ بهانه و مستمسکی قادر نیست چهره وحشی و ماهیت ارتجاعی اسرائیل را کتمان کند. امروز شدت و وسعت اعمال جنایتکارانه اسرائیل به حدی است که حتی سازشکارترین نیروها هم قادر نیستند برای آن اعمال توجیه قابل قبولی دست و پا کنند.

در چنین شرایطی است که وقتی قدرتمندان امریکا و همپالگی‌هایشان در اروپا و همه رسانه‌های ریز و درشت وابسته به آنها مطرح می‌کنند که اسرائیل دارد از خود "دفاع" می‌کند و باید برای اسرائیل "حق دفاع" قایل شد، جز خشم و نفرت هر چه بیشتر و شدیدتر جهانیان را علیه خود بر نمی‌انگیزند. کدام حق؟ حق تجاوز و اشغال؟ از نوع همان "حق"ی که امپریالیست‌ها در دوره استعمار کهن ضمن قتل و غارت کشورهای که آنها را مستعمره خود می‌ساختند برای خود قایل بودند و امروز هم در دوران استعمار نو در مقابل مردم تحت ستم جهان برای خود قائلند؟ چنین چیزی فقط در قاموس امپریالیست‌ها "حق" نامیده می‌شود. قایل شدن حق برای نیروی متجاوز و اشغالگر اسرائیل آنهم در شرایطی که این نیرو برای پیشبرد مقاصد زورگویانه‌اش مرتکب فجیع‌ترین جنایات می‌شود معنایی جز پشتیبانی از آن نیرو و تشویق او برای تداوم جنایاتش ندارد. دولت اسرائیل ارگان و تشکل نیروی مرتجع و تجاوزگری است که همچون اژدهای که از خون ارتزاق می‌کند تا زنده است به کشتار و خونریزی ادامه خواهد داد. از این رو خونریزی‌های این دولت و کشتار مردم فلسطین را در الفاظی چون "حفظ امنیت"، "دفاع

از خود" و غیره پیچاندن تنها براننده امپریالیست ها و جیره خواران آنهاست که جهانی را به بند کشیده و جنگ و خونریزی را در اقصا نقاط جهان بر مردم تحمیل کرده اند.

واقعیت این است که دولت صهیونیستی اسرائیل از دیر باز مجری سیاست های ضد خلقی امپریالیسم امریکا در خاورمیانه بوده است تا جائی که رونالد ریگان، رئیس جمهور سابق امریکا از این دولت به عنوان "ناو هواپیما بر امریکا در خاورمیانه" نام برد. همچنین از اسرائیل به عنوان پنجاه و یکمین ایالت ایالات متحده امریکا یاد می شود. در ترم کمونیست ها و نیروهای مترقی دنیا نیز اسرائیل، سگ زنجیری امپریالیسم امریکا لقب گرفته است. وجود این سگ زنجیری در خاورمیانه علاوه بر نقش های ضد خلقی متعددی که در اقصی نقاط دنیا به نفع امپریالیسم امریکا ایفاء می کند به عنوان یک کانون بحران تا کنون باعث فروش میلیاردها دالر اسلحه و تجهیزات نظامی به دولت های ضد خلقی خاورمیانه و میلیتاریزه شدن منطقه گشته است. امروز نیز اعمال تجاوزگرانه آن علیه خلق فلسطین که حتی اخبار تکان دهنده مربوط به تجاوزگری و اعمال ارتجاعی و جنایت بار داعش در عراق را تحت الشعاع قرار داده است به تحقق سیاست دلخواه امپریالیسم امریکا در ایجاد شرایط جنگی و بحرانی هر چه بیشتر در این منطقه خدمت می کند. جنگ افروزی اخیر اسرائیل در بستر شرایطی صورت می گیرد که امریکا و دیگر امپریالیست های متحدش برای رهایی از بحران و رکودی که جهان سرمایه داری را فرا گرفته است بیش از پیش به میلیتاریسم روی آورده و می کوشند با ایجاد کانون های جنگ در این یا آن گوشه دنیا، با ریختن بارانی از گلوله و بمب بر سر مردم غیر نظامی، کارخانه های اسلحه سازی خود را با شدت هر چه بیشتری به کار انداخته و بازار پر رونقی برای خود تهیه ببینند. چنین است که عملکردهای کنونی اسرائیل علیه مردم فلسطین الزاماً با سیاست های کلی امریکا در خاورمیانه مرتبط می باشد. سیاست هانی که نه فقط علیه مردم فلسطین بلکه علیه همه توده های تحت ستم خاورمیانه طرح ریزی شده اند.

وقتی به دنبال مبارزان ها یا به عبارت دیگر باران های بمبی که چندین روز بر سر مردم غیر نظامی و بی دفاع مردم غزه باریدن گرفته بود، دولت صهیونیستی تانک هایش را به حرکت در آورد و اقدام به حمله زمینی به مردم فلسطین کرد، یک پزشک ناروی ئی به نام "مادس گیگرت" که برای کمک به مجروحین در بیمارستان الشفاء در غزه مشغول به کار بود ضمن توصیف وضع دهشتناک مجروحین و شرایطی که به راحتی به قلم نمی آیند نوشت: "هیچ کس با داشتن قلب و توان نمی تواند یک شب از کنار این بیمارستان رد شود و مصمم نشود که به سلاخی مردم فلسطین پایان دهد. اما سنگدل ها و بی رحمها محاسبات خود را کرده و برنامه «ضاحیه» (حومه جنوبی بیروت) دیگری را ریخته اند. نهرهای خون امشب هم جاری خواهند بود. می توانم حس کنم که آن ها ابزارهای خود را برای کشتن آماده کرده اند."

این پزشک ناروی ئی درست می گوید " آن ها ابزارهای خود را برای کشتن آماده کرده اند"، برای کشتن دوباره و دوباره تا سلاحها و تجهیزات نظامی شان ته بکشد و آنگاه امریکا دوباره و دوباره بمب ها و موشک ها و به طور کلی محصولات مرگبار جدیدی از کارخانجات اسلحه سازی اش را در اختیار آنها قرار دهد. آخر این کارخانه ها باید کار کنند، باید تولید داشته باشند تا اقتصاد امریکا بگردد، تا با رکود حاصل از بحران سرمایه داری گندیده شان مقابله شود و...

اتفاقاً گزارشی از پایگاه خبری پانوراما الشرق الاوسط به تاریخ ۳۱ جولای ۲۰۱۴ با آشکاری هر چه بیشتری بر واقعیتی که توصیف شد صحنه می گذارد. در این گزارش از قول یک مسؤول نظامی امریکائی آمده است که امریکا به اسرائیل اجازه داده است که از انبار مهمات امریکا (زاغه مهماتی) واقع در اسرائیل سلاح و مهمات مورد نیاز

خود را تأمین کند. بر اساس این گزارش "مسئول امریکائی فاش کرد که اسرائیل در جدیدترین درخواست کمک تسلیحاتی که حدود ۱۰ روز پیش مطرح کرد، بدون توجه به وضعیت فوق العاده، از امریکا درخواست سلاح کرد. در پی این درخواست امریکا به اسرائیل اجازه داد که با ورود به این زاغه ستراتیژیک، از خمپاره های ۴۰ میلی متری و مورتز ۱۲۰ میلی متری استفاده کند و به این ترتیب به نظر می رسد که با کاهش ذخایر مهماتی این زاغه، امریکا در نهایت مجبور شود که بار دیگر مقادیر مصرف شده را جایگزین کند. به گفته این مسئول نظامی امریکا، «ما مهمات در اختیار اسرائیل قرار می دهیم تا بتوانیم بار دیگر زاغه مهماتی خود را مجهز کنیم». آشکارتر از این ممکن نبود اعتراف شود که اسرائیل به مثابه سگ زنجیری امپریالیست های امریکائی مأموریت استفاده بدون محدودیت از تجهیزات نظامی امریکا و مصرف آنها در جریان کشتار مردم فلسطین و کودکان آنها را به عهده دارد تا "زاغه مهمات" خالی و دوباره با اسلحه ها و مهمات جدید کارخانجات اسلحه سازی امریکا انباشته شود. سخن آن پزشک ناروی نی را در اینجا می توان تکرار کرد: "سنگدلها و بی رحمها محاسبات خود را کرده اند.!" جا دارد مورد دیگری نیز ذکر شود. درست در اوج حملات اخیر، کنگره امریکا کمک مالی به مبلغ ۲۲۵ میلیون دلار دیگر را در اختیار اسرائیل قرار داد تا برای تولید دوباره و بهینه سازی سیستم تولید راکت های سامانه "گنبد آهنین" اسرائیل که یک سیستم پرخرج است از آن استفاده کند. این "کمک مالی" را کنگره با این توجیه تصویب نمود که "تقویت توانمندی" نظامی اسرائیل بخشی از "منافع ملی" امریکاست. با توجه به چنین واقعیاتی هیچ وجدان بیداری نمی تواند در حمام خونی که به دست اسرائیل در غزه به راه افتاده است منافع و دستان خونین امپریالیسم امریکا و انحصارات نظامی امریکائی را نبیند.

در گذشته، به خصوص در دوره ای که گفتمان کمونیستی در سطح جهان غلبه داشت و در جنبش خلق فلسطین نیز به عکس امروز نیروهای چپ و سکولار نیروهای قدرتمند به شمار می رفتند و در نتیجه سیمای سیاسی جهان به گونه ای متفاوت از امروز بود (همان دوره ای که مبارزان انقلابی ایران چه برای جنگیدن در کنار خلق فلسطین علیه دولت اسرائیل و چه یادگیری فنون نظامی از جنگجویان فلسطینی به آنجا می رفتند؛ و از طرف دیگر، شاه، شکنجه گرانش را برای فراگیری تعلیمات بیشتر از صهیونیست ها به اسرائیل می فرستاد)، شرایط به گونه ای بود که "سازمان ملل متحد" اگر چه در آن زمان ها هم به پیشبرد اهداف امپریالیست ها خدمت می نمود حداقل جنایات اسرائیل علیه خلق فلسطین را محکوم می کرد؛ همچنین این نیروی بین المللی سعی می کرد به ظاهر هم که شده در این رابطه برخورد فعال نموده و برای جلوگیری از تجاوزات و جنایات دولت اسرائیل قطعنامه های گوناگونی تصویب کند. اما امروز سازمان ملل تا به آن حد با آشکاری در جهت پیشبرد اهداف امپریالیستها عمل می کند که حتی به صورت فرمالیته هم که شده اسرائیل را به خاطر کشتار کودکان و دست زدن به جنایات جنگی علیه مردم فلسطین نه محکوم می کند و نه برای پایان دادن به جنگ کنونی به تصویب قطعنامه ای علیه اسرائیل دست می زند. در حالی که اصول سازمان ملل ایجاب می کند که وقتی در کشوری جان مردم غیر نظامی در خطر قرار دارند جهت حفظ جان آنها به اقدامات عملی دست بزند.

امروز اگر دولت های امپریالیستی با وقاحت و بی شرمی به موضوع کشتارهای غزه برخورد می کنند، سازمان ملل نیز با نشان دادن بی تفاوتی نسبت به این کشتار ها جانبداری خود از امپریالیستها را با وضوح هر چه بیشتر برملا ساخته است؛ امری که موجب آن گشته که واقعیت وجودی این "جامعه" با رسوائی تمام در مقابل دید مردم جهان قرار گیرد. این نکته البته قابل ذکر است که در گذشته نیز نه سازمان ملل می توانست در صدد حل مسأله مردم فلسطین برآید و نه دولت اسرائیل وقعی به خواست های سازمان ملل می گذاشت. مشخصاً، این دولت در طول

همه تاریخ نفرین شده خود نشان داده که به پشتوانه امریکا هیچ وقت خود را مقید به رعایت قطعنامه های سازمان ملل ندیده و عملاً همه قطعنامه های مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل را زیر پا گذاشته است. یکی از معروفترین قطعنامه های سازمان ملل قطعنامه ۲۴۲ می باشد که در نومبر سال ۱۹۶۷ به تصویب رسیده است. این قطعنامه خواستار آن است که اسرائیل به مرزهای قبل از جون ۱۹۶۷ عقب نشینی کند. خواست مزبور در حالی که خود یک خواست سازشکارانه می باشد که به اشغال حدود ۷۸ درصد فلسطین توسط اسرائیل صحه می گذارد، این طور جلوه می دهد که گویا این نیروی اشغالگر با عقب نشینی به مرزهای قبلی، دست از تجاوز و اشغال و کشت و کشتار بر خواهد داشت. اما همه واقعتاً تا کنون بیانگر آن است که دولت صهیونیستی اسرائیل تنها با مرگ و نابودی خود می تواند نقطه پایانی به جنگ و کشتار و فجایع غیر قابل توصیف خود در حق مردم تحت ستم فلسطین بگذارد.

پایان این نوشته به همانگونه که اول آن بود بهتر است سخن دیگری از شاعر و نویسنده فلسطینی، محمود درویش را در بر گیرد. وی ضمن بیان خاطره ای در رابطه با محلی در فلسطین که دوران کودکی اش را در آنجا گذرانده بود در آخر می نویسد: " آنجا آیا به اندازه ای فراخ نیست که بتوان در کنار هم زیست؟ آیا دو رویا نمی توانند توأمان و آزادانه در زیر چتر یک آسمان بیاند؟ یا این که کودک اول باید تنها و بی سرزمین در تبعیدگاه روزگار بگذراند... و بدون تبعیدگاه: او این جا نیست و آن کس که آن جاست «او» نیست."

به راستی اکنون که پس از مهاجرت گسترده یهودیان به سرزمین فلسطین، حضور این مردم و زندگی در آنجا در طول سالیان دراز واقعیتی است، آیا صلح واقعی در این سرزمین منوط به نابودی دولت صهیونیستی اسرائیل، ایجاد شرایط کاملاً دموکراتیک در آنجا نمی باشد؟ بدون صهیونیست ها، در یک شرایط دموکراتیک که البته در عصر ما تنها در مسیر مبارزه برای سوسیالیسم امکان پذیر است فلسطینی ها امکان خواهند یافت که به سرزمین آباء و اجدادی خود باز گردند و آنگاه به طور آزادانه هر طور که بخواهند سرنوشت خود را تعیین کنند. در این صورت آنها یا در آسمان فراخ فلسطین در کنار مردم یهود زندگی خواهند کرد و یا ترجیح خواهند داد که دو کشور جداگانه دموکراتیک با ساکنین فلسطینی و یهودی شکل گیرد.

جهان سرمایه داری امروز چنان در مرداب گندیده ای غرق گشته که برای نجات خود چه با نام صهیونیسم و چه با نام بنیادگرایی اسلامی و داعش و غیره دست به هر وحشی گری و آفرینش فجایع گوناگون می زند. این عملکردهای ارتجاعی و جنایت بار امپریالیست ها و سگهای زنجیری و ایادیشان خشمی را در میان توده های سراسر جهان برانگیخته است که " خرمن سرخ امیدهای فرو کوفته است" و این خشم دیر یا زود آتش به حیات و هستی سیستم گندیده و طفیلی سرمایه داری زده و با آن مبارزه علیه امپریالیسم جهانی وارد فاز نوینی خواهد شد. واقعیت های موجود بیش از هر وقت دیگر "سوسیالیسم یا بربریت" را به شعار "اردوی بی شمار کار" و به شعار توده های تحت ستم در سراسر جهان تبدیل می کند؛ و همین واقعتاً جنگ افروزی های مداوم اسرائیل و شکست همه به اصطلاح راه های حلی که نیروهای امپریالیستی در مقاطع مختلف در مقابل جریانات سازشکار فلسطین قرار داده اند خود ثابت می کند که سوسیالیسم تنها راه نجات مردم فلسطین است. همچنان که راه نجات تود های تحت ستم سراسر دنیا نیز هست.

۲ اگست ۲۰۱۴